



به نام خداوند
جان و خرد

درس ۸

اسلام در ایران؛ زمینه‌های تکوین تمدن ایرانی اسلامی

کانال ارتباطی

@bahramsh49

کانال ایران و جهان در رهگذر تاریخ

@tiranvjahan

بهرام شفیعی دبیر تاریخ استان بوشهر

هدف

آشنایی با چگونگی فتح ایران توسط
اعراب و علل و آثار مهم‌ترین
تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی
را که در دو قرون نخست هجری
در کشور ما و زمینه‌های شکل
گیری تمدن ایرانی اسلامی

فتح ایران توسط اعراب مسلمان

بهرام شفیعی دبیر تاریخ استان بوشهر

روابط اعراب و ساسانیان قبل از ظهور اسلام

در عصر باستان، قبایل بیابانگرد عرب که در مجاورت مرزهای جنوب و جنوب غربی فلات ایران می زیستند، مکرر به شهرها و آبادی های مرزی میهن ما هجوم می آوردند و پس از غارت آنها به درون بیابان های شبه جزیره عربستان عقب نشینی می کردند. به همین دلیل، حکومت ساسانیان، علاوه بر زنجیره ای از پادگان شهرها که در مرزهای جنوب غربی قلمرو خود ایجاد کرده بود، دولت دست نشانده ای از طایفه عرب آل مُنذر (لَخمیان) در حیره بر سر کار آورد که سدّ محکمی در برابر یورش اعراب بدوی و کوشش های رومیان برای نفوذ به سرحدات ایران باشد. در جنوب، غیر از بحرین و عمان که جزو سرزمین اصلی ایران بودند و مرزبانان ایرانی بر آنجا حکومت می کردند، یمن نیز از زمان پادشاهی خسرو انوشیروان به تصرف ساسانیان درآمد.

اوضاع ایران در آستانهٔ حملهٔ اعراب

همزمان با ظهور اسلام، ایران در وضعیت سیاسی و اجتماعی نامساعدی به سر می‌برد. حکومت ۷۰۰ ساله ساسانی را جنگ‌های طولانی و پرخارج با روم در غرب و نبردهای پی‌در پی با اقوام بیانگرد در مرزهای شرقی، از یک سو و اختلاف و نزاع بزرگان و اشراف دچار فرسودگی و ضعف کرده بود. به گونه‌ای که پس از خسرو پرویز در مدت کوتاهی بیش از ده تن به تخت شاهی نشستند.

اوضاع اجتماعی نیز به دلیل جدایی و بیگانگی طبقات جامعه ایران از یکدیگر، اختلافات مذهبی و سرکوب شدید مخالفان دین رسمی، تنگ‌نظری موبدان و دخالت آنها در همه شئون کشور پریشان بود.

علاوه بر آن، بروز بیماری مرگبار طاعون و طغیان شدید رودهای دجله و فرات که بندها و سدها را شکست و خسارت فراوانی به زمین‌های حاصلخیز آسورستان (بین النهرین / سواد / عراق) زد، ضربه سنگینی به اقتصاد ساسانیان وارد آورد.

حادثه تأثیرگذار دیگری که در این اوضاع و احوال اتفاق افتاد، از میان برداشتن دولت آل‌منذر توسط خسرو پرویز بود. اندکی پس از این ماجرا، دسته‌ای از سپاهیان ساسانی از قبیله‌های عرب که به مرزهای ایران حمله کرده بودند، شکست خورد. این واقعه، اُبّهت و عظمت قدرت ساسانیان را نزد اعراب فرو ریخت و باعث تشویق و تحریک بیشتر آنان برای هجوم به کاروان‌ها و آبادی‌های مرزی ایران شد.

نخستین بر خوردهای مسلمانان با ایرانیان

مطابق برخی روایت‌ها، خسرو پرویز از جمله فرمانروایان بزرگی بود که در سال هفتم هجری توسط حضرت محمد به اسلام دعوت شد؛ اما او دعوت پیامبر را نپذیرفت و به باذان، حاکم ایرانی یمن امر کرد که به حجاز رود و آن حضرت را دستگیر و روانه تیسفون کند. البته برخی از مورخان در درستی این روایت تردید دارند. به هر حال، چون پیامبر خبر مرگ خسرو را به باذان فرستاد، او به همراه دیگر ایرانیان یمن اسلام آورد. اینان پس از سلمان فارسی، نخستین گروه ایرانیانی بودند که مسلمان شدند. آنان در خلال سرکشی‌هایی که پس از رحلت رسول خدا در شبه جزیره عربستان به وجود آمد، ایمان خود را نسبت به اسلام نشان دادند و با تمام وجود در برابر از دین برگشتگان و پیامبران دروغین جنگیدند.

علاوه بر یمن، در زمان پیامبر، اسلام به بحرین و عمان نیز راه یافت. مرزبان‌های ساسانی این دو منطقه در مقابل سپاهیان مسلمان تاب مقاومت نیاوردند و زرتشتیان ساکن بحرین به اطاعت مسلمانان و پرداخت جزیه گردن نهادند.

حملة اعراب مسلمان به ايران

درگیری ساسانیان و اعراب در زمان ابوبکر

در شرایطی که دربار ساسانی دچار اختلاف و آشفتگی بود، اعراب مسلمان در اواخر دوران خلافت ابوبکر به منطقه سواد حمله کردند و تعدادی از آبادی‌ها و شهرهای آن منطقه را به جنگ و یا صلح گشودند، اما حملات جدی آنان در ابتدای خلافت عمر بن خطاب صورت گرفت. در آن زمان، پس از سال‌ها اختلاف و نزاع در دربار ساسانی، یزدگرد سوم بر تخت نشست، امور کشور کمی سامان یافت و سپاه ایران با شکست اعراب مسلمان در جنگ جسر یا پل (۱۳ ق) بیشتر متصرفات آنان را پس گرفت.

درگیری ساسانیان و اعراب در زمان عمر

عُمر، خلیفه دوم جنگاوران تازه‌نفسی را که از انگیزه معنوی و مادی بالایی برای جنگیدن برخوردار بودند، روانه ایران کرد. اعراب مسلمان نخست در قادسیه به سختی سپاه ایران را به سختی شکست دادند (۱۴ ق) و تیسفون پایتخت پرآوازه ساسانیان را پس از مدتی محاصره تسخیر کردند (۱۶ ق).

از عوامل شکست قادسیه، می‌توان به اختلاف‌های داخلی ایرانیان و ناامیدی رستم فرخزاد، فرمانده سپاه ساسانی از پیروزی، همکاری دهقانان و برخی قبیله‌های عرب ساکن سواد با مسلمانان اشاره کرد. ضمن آنکه خبر پیروزی خیره‌کننده اعراب مسلمان بر رومیان در شام، موجب تقویت روحیه و انگیزه جنگاوران عرب در قادسیه شد. پس از سقوط تیسفون، بقایای ارتش ساسانی در جَلولا گرد هم آمدند و با مهاجمان جنگیدند، اما شکست خوردند و بسیاری از آنان کشته شدند (۱۶ ق).

پیروزی اعراب مسلمان در جنگ نهاوند سرنوشت حکومت ساسانی را قطعی کرد (۲۱ ق). فاتحان این پیروزی را فتح الفتوح نامیدند. به دنبال آن، سپاهیان مسلمان از هر سوی به داخل ایران پیش تاختند و تا دوران خلافت عثمان، بیشتر شهرها و ولایات مختلف را یکی پس از دیگری به جنگ و یا صلح گشودند.

برخورد ایرانیان با اعراب پس از حمله به ایران

ساکنان برخی شهرها و مناطق ایران مانند همدان، ری، فارس و به خصوص شهر استخر که خاستگاه خاندان ساسانی بود، بارها بر اعراب شوریدند، اما از آن جایی که میان این شورش ها هماهنگی وجود نداشت، اعراب آنها را سرکوب کردند و در جریان آن تعداد قابل توجهی از مردم تلف شدند.

در جریان فتح ایران به ویژه پس از جنگ نهاوند، مرزبانان، دهقانان و حتی موبدان به عنوان حاکمان و یا بزرگان محلی از همراهی و همکاری با یزدگرد سوم دست کشیدند و هر کدام بر اساس منافع و مصلحت خویش با سپاهیان اعراب مسلمان که به حوزه فرمانروایی آنها می رسیدند، برخورد می کردند. برای نمونه، هرمزان، حاکم خوزستان، شهر شوشتر را مرکز فرماندهی خود قرار داد و به مقابله با اعراب برخاست، اما مهاجمان با خیانت یکی از ساکنان شهر به داخل شهر نفوذ کردند. هرمزان به اسارت افتاد و به مدینه فرستاده شد. شهرک، مرزبان فارس نیز با اعراب جنگید و کشته شد. مرزبانان برخی ولایات مانند آذربایجان و سیستان، مقاومت و جنگ در برابر سپاهیان مسلمان را بی فایده دانستند و به صلح با آنان رضایت دادند. برخی از حاکمان و بزرگان محلی از قبیل هیربندان نهاوند و دارابگرد، دهقان نیشابور و مرزبان طوس برای نجات جان و اموال و یا حفظ موقعیت سیاسی و اجتماعی خود، با اعراب مسلمان همکاری کردند و آنان را در فتح ایران یاری دادند.

دو قرن حکومت اعراب بر ایران

ایران در عصر خلفای نخستین

پس از آنکه شهر و ولایتی توسط اعراب مسلمان فتح می‌شد، به فرمان خلیفه، فردی از میان فرماندهان سپاه، سران قبیله‌ها و یا صحابه به حکومت آنجا منصوب می‌شد. از آنجایی که اعراب تجربه چندانی در کشورداری نداشتند، اداره امور دیوانی همچون گذشته در اختیار ایرانیان باقی ماند. محاسبه و دریافت مالیات‌ها همچنان توسط دیوران و دهقانان ایرانی انجام می‌گرفت. دفترهای دیوانی مثل گذشته به خط و زبان پهلوی نوشته می‌شد و سکه‌های ضرب شده توسط ساسانیان همچنان در گردش بود. به طور کلی، اعراب مسلمان تا زمانی که نافرمانی صورت نمی‌گرفت و قراردادهای صلح نقض نمی‌شد، دخالتی در اداره امور داخلی شهرها و روستاها دخالتی نمی‌کردند.

ایران در عصر خلفای اموی

در زمان حکومت بنی‌امیه، مناطق مختلف ایران تحت فرمان و نظارت **والی عراق اداره** می‌شد؛ البته در مواقعی نیز خلفای اموی در **عزل و نصب حاکمان مناطق مهمی مانند خراسان و آذربایجان** به طور مستقیم دخالت می‌کردند. در آن دوره، حکومت شهرها و مناطق مختلف دنیای اسلامی از جمله ایران در **انحصار کامل اشرافیت اموی و سران قبیله‌های عرب متحد آنان** قرار داشت. **زیاد بن ابیه، پسرش عبیدالله، حجاج بن یوسف ثقفی و یوسف بن عمر** از جمله معروفت‌ترین **والیان اموی** بودند که بر عراق و ایران فرمان راندند و به ایرانیان، خواه مسلمان و خواه غیرمسلمان ظلم فراوانی کردند. **در زمان حجاج بود که خط و زبان دفت‌های دیوان از پهلوی به عربی برگردانده شد.**

مهاجرت اعراب به ایران و اثرات آن

مهاجرت قبیله‌های عرب به ایران در قرن اول، از جمله رویدادهایی است که آثار و نتایج سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قابل توجهی بر جا گذاشت. این مهاجرت‌ها از دوران فتوحات و به هدف تحکیم سلطه مسلمانان بر ایران شروع شد، اما در دوره امویان شدت یافت؛ برای نمونه، در زمان معاویه ۵۰ هزار مرد جنگی عرب که به همراه اعضای خانواده شمار آنان به چند صد هزار نفر می‌رسید، به داخل ایران کوچ کردند.

بیشتر اعراب مهاجر با همان زندگی بدوی و خانه‌به‌دوشی در واحه‌های اطراف شهرها و دیه‌ها مستقر شدند؛ تعدادی نیز در شهرها سکونت گزیدند و محله‌هایی خاص خود به وجود آوردند. مجاورت اعراب در ابتدا برای ایرانیان ناخوشایند بود و از این رو در برخی جاها مانند قم، با آنان درگیر شدند و در مواردی دیگر ساکنان محلی آن منطقه را ترک کردند. به تدریج شرایط مناسبی برای همزیستی مسالمت‌آمیز و همکاری میان ایرانیان با مهاجران عرب، نخست در زمینه تجارت و کشاورزی و سپس در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی به وجود آمد و کم‌کم مهاجران جذب فرهنگ ایرانی شدند.

ایران در عصر خلافت عباسیان

با روی کار آمدن خاندان بنی‌عباس و انتقال مرکز خلافت از دمشق به بغداد در سرزمین‌های ایرانی، شرایط و اوضاع سیاسی و اجتماعی به نفع ایرانیان تغییر محسوس‌ی یافت. در حکومت عباسیان، برخی از سیاستمداران و دیوانسالاران ایرانی به مناصب سیاسی و نظامی مهمی مانند وزارت، فرماندهی سپاه و حکومت شهرها و مناطق دسترسی پیدا کردند و اقداماتی را به سود مردم ایران انجام دادند. برای مثال، خاندان برمکیان در زمان هارون و خاندان سهل در زمان مأمون از نفوذ و قدرت خود برای ترقی جایگاه ایران و ایرانیان در دستگاه خلافت استفاده کردند. طاهر بن حسین، مؤسس نخستین سلسله ایرانی در دوران اسلامی یعنی طاهریان، دست‌پرورده خاندان سهل بود. با این حال تداوم سلطه اعراب بر ایران و برخی اقدام‌های عباسیان، زمینه ناخشنودی و مخالفت ایرانیان را با خلافت عباسی فراهم آورد.

جنبش‌های ایرانیان در دو قرن نخست هجری

جنبش‌های دوران خلافت امویان

خلافت اموی در حقیقت یک دولت عرب‌گرا بود و نسبت به غیرعربان، خشونت و نفرت خاصی نشان می‌داد و به تحقیر آنان می‌پرداخت. ایرانیان به خصوص مسلمانان ایرانی که موالی خوانده می‌شدند، در برابر حکومت ظالمانه امویان و رفتار تحقیرآمیز و قوم‌گرایانه آنان، در دو بُعد سیاسی- نظامی و اجتماعی- فرهنگی عکس‌العمل نشان دادند و مبارزه کردند.

ابعاد سیاسی - نظامی و اجتماعی - فرهنگی عکس‌العمل ایرانیان در برابر امویان

۱- جنبش‌های سیاسی - نظامی

ایرانیان که از بیدادگری امویان نسبت به خود و اهل بیت رسول خدا به ستوه آمده بودند، از هر فرصتی برای مبارزه با خلافت بنی‌امیه و پیوستن به قیام‌های ضد اموی استفاده کردند.

۲- جنبش اجتماعی - فرهنگی

در بُعد اجتماعی و فرهنگی، گروهی از اندیشمندان، شاعران و نویسندگان ایرانی با سیاست تعصب و تفاخر طبری قومی و قبیله‌ای امویان به مخالفت برخاستند و با استناد به آیات قرآن و روایات پیامبر، تمامی اقوام را مساوی دانستند. البته شماری از آنان در این کار به افراط کشیده شدند و از طریق مقایسه زندگی ایرانیان باستان با زندگی اعراب عصر جاهلیت، به تحقیر قوم عرب پرداختند. اینان به شُعوویان معروف شدند. جنبش شُعووی در دوره اول عباسیان نیز همچنان در عراق فعال بود.

جنبش‌های عصر خلافت عباسیان

علل جنبش‌های ایرانیان در زمان عباسیان

گرچه خاندان بنی‌عباس با کوشش ایرانیان (خراسانیان) به حکومت رسیدند، اما تداوم سلطه اعراب و برخی اقدام‌های خلفای عباسی از قبیل قتل ابوسلمه خَلّ و ابومسلم، نابودی خاندان‌های برمکیان و سهل و سختگیری و ستم به شیعیان و اهل‌بیت پیامبر، نارضایتی و خشم مردم ایران را برانگیخت و زمینه‌ساز قیام‌های مختلفی در گوشه و کنار کشور شد.

ریشه‌ی جنبش‌های زمان عباسیان و نتیجه آن

مهم‌ترین آنها یک رشته جنبش‌هایی بود که به خونخواهی ابومسلم و یا تکریم خاطر او صورت گرفت و برای سال‌های متمادی عباسیان را به زحمت انداخت. رهبران این جنبش‌ها دارای ترکیبی از عقاید دینی و فلسفی اسلامی و غیراسلامی مانند زرتشتی، مانوی و مزدکی بودند. هر چند این جنبش‌ها سرکوب شدند، اما سلطه خلفای عباسی را بر مناطق شرقی ایران خاصه خراسان سست کردند و زمینه مناسبی را برای شکل‌گیری سلسله‌های ایرانی در منطقه فراهم آوردند.

جنبش‌های ایرانی در دوره اول خلافت عباسیان

<p>جنبش سنباد</p>	<p>سنباد یکی از سرداران زرتشتی ابومسلم و به قولی نایب او بود، که پس از قتل ابومسلم به دست منصور، خلیفه عباسی (۱۳۷ق)، به خونخواهی او در نیشابور قیام کرد. این قیام کوتاه، ولی خونین و هولناک بود. عده زیادی از پیروان ادیان و مذاهب مختلف در خراسان، ری و طبرستان به دور او گرد آمدند. سنباد به سرعت نیشابور، قومس، ری و قزوین را گرفت، ولی در جنگ با سپاه عباسی شکست خورد و اندکی بعد به دست اسپهبد طبرستان کشته شد. دسته‌ای از هواداران سنباد، پس از مرگش به وی وفادار ماندند.</p>
<p>جنبش اسحاق ترک</p>	<p>اسحاق ترک یکی از داعیان ابومسلم و شخصیتی برجسته در میان سپاه‌جامگان بود و چون در میان ترکان ماوراءالنهر فعالیت می‌کرد به اسحاق ترک معروف شد. وی مردم را به ابومسلم دعوت می‌کرد و مدعی بود که ابومسلم، فرستاده زرتشت است، نمرده، در کوه‌های ری مقیم است و در وقت معین خروج خواهد کرد. وی تنها به دعوت اکتفا کرد و هیچ‌گونه رویارویی میان او و پیروانش با مأموران خلافت روی نداد.</p>
<p>جنبش استادسیس</p>	<p>یکی از گسترده‌ترین جنبش‌هایی که با خاطره ابومسلم گره خورده، جنبش استادسیس در بادغیس خراسان بود که حدود سال ۱۵۰ق آغاز شد. به دنبال جنبش استادسیس، عده زیادی از گروه‌ها و قشرهای مردم با بیل، پارو و تبر با او همراه و همداستان شدند. دامنه جنبش او به سیستان نیز سرایت کرد. استادسیس با شکست عاملان خلافت بر بسیاری از شهرها و مناطق خراسان دست یافت و بر سپاهیان عباسی در چند جنگ پیروز شد، اما سرانجام از سپاه خلیفه شکست خورد (۱۵۱ق) و در اسارت کشته شد. جنبش استادسیس هم صبغه دینی داشت. گفته شده است که او ادعای پیغمبری داشت و خود را یکی از موعودهای زرتشت می‌شمرد که به اعتقاد زرتشتیان پس از هر هزاره ظهور می‌کنند.</p>
<p>جنبش مُقَنَع</p>	<p>مقنع که از سرهنگان ابومسلم بود به تناسخ گرایید و مدعی شد روح خدا در جسم ابومسلم و روح ابومسلم در جسم او (مقنع) حلول کرده است. یاران او که بیشتر از روستاییان و موالی ماوراءالنهر و خراسان بودند، برای نشان دادن مخالفت خود با عباسیان، لباس سفید به تن کردند و به سپیدجامگان معروف شدند. جنبش دینی - سیاسی مقنع حدود چهارده سال در ماوراءالنهر عاملان خلافت را به خود مشغول کرد و سرانجام با ناپدید شدن رهبر جنبش در قلعه‌ای که محاصره شده بود، به پایان رسید (۱۶۳ق).</p>
<p>جنبش بابک</p>	<p>جنبش بابک خرمدین یکی از بزرگ‌ترین جنبش‌هایی بود که در پیوند با نام و خاطره ابومسلم آغاز شد و سال‌های طولانی مایه وحشت خلیفه بغداد شد. خرمدینان به رهبری بابک قلعه‌ای مستحکم را در آذربایجان پایگاه خود قرار دادند و با نیروهای خلافت عباسی و عاملانش به مبارزه پرداختند. خرمدینان که گرایش مزدکی داشتند، مرگ ابومسلم را انکار می‌کردند و معتقد بودند که ابومسلم باز خواهد گشت تا عدالت را در جهان برقرار نماید. این جنبش سرانجام توسط افشین، سردار ایرانی که به فرمان معتصم خلیفه عباسی مأمور جنگ با بابک شده بود، از میان برداشته شد. بابک که به اسارت درآمده بود، در بغداد به طرز بی‌رحمانه‌ای کشته شد (۲۲۳ق).</p>

گروش ایرانیان به اسلام

روند اسلام آوردن مردم ایران در خلفای نخستین:

شواهد و مستندات تاریخی دلالت بر آن دارد که روند گروش ایرانیان به اسلام **تدریجی** بوده است. اگرچه بیشتر شهرها و مناطق ایران در **کمتر از ۲۰ سال** به تسخیر اعراب مسلمان درآمد، اما روند **پذیرش اسلام، چندین قرن** به طول انجامید. از اشاره‌های کوتاه منابع تاریخی می‌توان فهمید که در خلال فتح ایران، **شمار ناچیزی از ایرانیان** به اسلام گرویدند. تعدادی از **دهقانان و دیگر بزرگان محلی و دسته‌هایی از جنگاوران** از جمله گروه‌هایی بودند که در جریان فتح ایران مسلمان شدند. برای نمونه در جنگ قادسیه دسته‌ای از سپاه ساسانیان به دین اسلام درآمدند و به اعراب پیوستند. ساکنان پادگان شهر قزوین نیز همگی یکجا مسلمان شدند.



مسجد فهرج - یزد

بهرام شفیعی دبیر تاریخ استان بوشهر

روند اسلام آوردن مردم ایران در دوره امویان و عباسیان:

در دوران خلافت بنی‌امیه نیز روند پذیرش اسلام در ایران کند بود. رفتار غیراسلامی برخی از حاکمان اموی، محدودیت‌ها و موانعی را بر سر راه گروش به اسلام ایجاد کرد. قرار دادن مسلمانان غیرعرب همچون مسلمانان ایرانی در ردیف موالی و محروم کردن آنان از پاره‌ای حقوق اجتماعی و نیز گرفتن جزیه از نومسلمانان، از جمله این رفتارها بود.

به دنبال بهبود موقعیت سیاسی و اجتماعی ایرانیان در عصر خلافت عباسیان، گرایش به اسلام در ایران شتاب گرفت و سرانجام با روی کار آمدن سلسله‌های ایرانی در گوشه و کنار کشور، اکثریت ایرانیان مسلمان شدند.

عوامل مؤثر بر اسلام آوردن مردم ایران

الف) اسلام دینی جهانی است و پیام‌های جذّابی برای تمام مردم جهان دارد. پیام برادری و برابری اسلام و سادگی مناسک و آداب اسلامی، از جمله جذابیت‌های این دین برای ایرانیان بود.

ب) از آنجایی که ساکنان ایران خواه زرتشتی و خواه مسیحی و یهودی، یکتاپرست و معتقد به بهشت و جهنم و ظهور منجی بودند، بنابراین، درک و پذیرش جهان‌بینی توحیدی و پیام مکتب اسلام، برای آنان چندان دشوار و ناخوشایند نبود.

پ) مهاجرت گسترده اعراب مسلمان به ایران، زمینه‌ساز آشنایی تدریجی ایرانیان با اسلام و گرویدن به آن شد.

سادات علوی و شیعیانی که برای نجات از ظلم امویان و عباسیان به میهن ما پناه آوردند، نقش مهمی در این زمینه داشتند. ساکنان شهر قم و نیز کثیری از مردم مازندران و گیلان در نتیجه مهاجرت گروهی از شیعیان و علویان به دیار آنان با اسلام آشنا و مسلمان شدند. حضور امام رضا (ع) و امام زادگان در ایران نیز بر توجه و گرایش اجدا ما به اسلام تأثیر داشت.



ضريح حرم حضرت معصومه عليهاالسلام - قم



حرم حضرت شاه چراغ عليهالسلام - شیراز

پرسش‌های نمونه

- ۱- زمینه های سیاسی شکست حکومت ساسانیان از اعراب مسلمان را شرح دهید.
- ۲- روند فتح ایران پس از جنگ نهاوند، چگونه پیش رفت؟
- ۳- علل جنبش های اجتماعی و سیاسی ایرانیان را در دوران خلافت امویان توضیح دهید.
- ۴- چرا روند گروش ایرانیان به اسلام در سده نخست هجری کند بود؟
- ۵- منابع تاریخی که در این درس مورد استناد قرار گرفته است، فهرست نمایید.
- ۶- نمودار خط زمان دو قرن اول هجری را ترسیم نمایید و رویدادهایی را که در این درس به آنها اشاره شده است، بر روی آن نشان دهید.